

Original Article

## **The Predictive Role of Parents' Wisdom in Their Parent-Child Relationship and Metaparenting: Regarding Gender Differences**

Maryam Zare Zardeini<sup>1</sup>, Samaneh Asadi<sup>1</sup>✉, Maryam Salehzadeh Abarghuei<sup>1</sup>

1. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Received: 2024.05.03

Revised: 2024.12.30

Accepted: 2025.01.20

DOI:[10.48308/jfr.2025.235551.1743](https://doi.org/10.48308/jfr.2025.235551.1743)

### **Abstract**

This research aimed to examine the role of parental wisdom in the parent-child relationship and their metaparenting. The research design was correlational, and the population consisted of all parents in Yazd. A random multi-stage sampling method was used to select 150 mothers and 150 fathers, each with at least two children (one of whom was adolescent). They completed the Ardelt Wisdom Questionnaire, the Pianta Parent-Child Relationship Scale, and the Hawk and Holden Metaparenting Questionnaire. The data were analyzed using correlation tests and multiple regression analysis. The results of the multiple regression analysis indicated that the cognitive and emotional dimensions of wisdom positively and significantly predicted intimacy. Increases in scores on the cognitive and reflective dimensions were associated with a reduction in conflict, while the reflective dimension inversely predicted dependency. Additionally, higher scores in the emotional dimension could predict higher metaparenting. The separate results for fathers and mothers showed that the reflective dimension in fathers and the emotional dimension in mothers were able to predict the intimacy of the parent-child relationship, and increases in the reflective dimension for both groups of fathers and mothers led to a reduction in parent-child relationship conflicts. Increases in the cognitive wisdom scores of fathers indicated a reduction in harmful dependencies in the father-child relationship. The reflective and emotional dimensions of wisdom in fathers were able to predict their metaparenting scores, while in mothers, none of the wisdom dimensions had a significant effect on metaparenting scores. The findings indicated that an increase in wisdom among parents could generally improve the parent-child relationship and also positively affect their metaparenting.

**Keywords:** wisdom, parent-child relationship, metaparenting, gender, intimacy

**How to cite:** Zare zardeini, M. , Asadi, S. and Salehzadeh Abarghoec, M. (2025). The predictive role of parents' wisdom in their parent-child relationship and Metaparenting: Regarding gender differences. *Journal of Family Research*, 20(4), 119-137. doi: 10.48308/jfr.2025.235551.1743

✉Corresponding Author Email Address: [s.asadi@yazd.ac.ir](mailto:s.asadi@yazd.ac.ir)



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

## نقش پیش‌بین خردمندی والدین در رابطه والد-فرزند و فراوالدگری آنها: با نگاهی بر تفاوت‌های جنسیتی

مریم زارع زردینی<sup>۱</sup>، سمانه اسعدی<sup>۱</sup>، مریم صالح زاده ابرقویی<sup>۱</sup>

۱. گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴ دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

DOI:10.48308/jfr.2025.235551.1743

**چکیده:** این پژوهش با هدف بررسی نقش خردمندی والدین در رابطه والد-فرزند و فراوالدگری آنها انجام شد. طرح پژوهش همبستگی و جامعه آن تمام والدین شهر یزد بودند که به صورت تصادفی چند مرحله‌ای تعداد ۱۵۰ مادر و ۱۵۰ پدر با حداقل دو فرزند (یکی از فرزندان در دوره نوجوانی) انتخاب شدند. آنها پرسش‌نامه‌های خردمندی آردلت، رابطه والد-فرزند پاننا و فراوالدگری هاوک و هولدنرا تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد بعد شناختی و عاطفی خردمندی به طور مثبت و معناداری پیش‌بین صمیمیت است. افزایش نمرات بعد شناختی و تاملی در کاهش تعارض نقش داشته و بعد تاملی وابستگی را به طور معکوسی پیش‌بینی کرد. همچنین بالاتر بودن نمرات بعد عاطفی می‌توانست پیش‌بین فراوالدگری بالاتر باشد. نتایج تفکیکی پدران و مادران نشان داد بعد تاملی در پدران، و عاطفی در مادران قادر به پیش‌بینی صمیمیت رابطه والد-فرزند است و افزایش در بعد تاملی هر دو گروه پدران و مادران کاهش تعارضات رابطه والد-فرزند را در پی دارد. افزایش نمرات بعد شناختی خردمندی پدران، نشان از کاهش وابستگی‌های مخرب رابطه پدر-فرزند داشت. ابعاد تاملی و عاطفی خردمندی در پدران قادر به پیش‌بینی نمرات فراوالدگری‌انها بود؛ در حالی که در مادران تاثیر هیچ یک از ابعاد خردمندی بر نمرات فراوالدگری معنادار نبود. یافته‌ها نشان داد افزایش خردمندی در والدین به طور کلی می‌تواند رابطه والد-فرزند را بهبود بخشد، و بر فراوالدگری آنها نیز موثر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** خردمندی، رابطه والد-فرزند، فراوالدگری، جنسیت، صمیمیت

استناد به این مقاله: زارع زردینی، م.، اسعدی، س. و صالح زاده ابرقویی، م. (۱۴۰۳). نقش پیش‌بین خردمندی والدین در رابطه والد-فرزند و فراوالدگری آنها: با نگاهی بر تفاوت‌های جنسیتی. خانواده پژوهی، ۲۰(۴)، ۱۱۹-۱۳۷.

doi: 10.48308/jfr.2025.235551.1743

✉ نویسنده مسئول: s.asadi@yazd.ac.ir

## مقدمه

خانواده محوری‌ترین محیط تربیتی است که در حفظ سلامت روانی<sup>۱</sup>، اجتماعی و جسمانی فرزندان نقش موثری دارد. والدین در خانواده نقش مراقبت، آموزش فرزندان و مدیریت زندگی را ایفا می‌کنند و جزء عوامل بنیادین و مهم، در تغییرات زندگی کودکان به حساب می‌آیند. پژوهشگران معتقدند ایجاد یک رابطه گرم و پذیرنده و استفاده از شیوه‌های مناسب برای تربیت فرزند، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین تکالیف والدین است که می‌تواند بهزیستی فرزندان را تحت الشعاع قرار دهد (جارگایزر، برناراس، بولی و گارایگر دیبیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ خجسته مهر، فلاحی خشک‌ناب، حجاری و سودانی، ۱۳۹۶؛ امیر، حسن آبادی، اصغری نکاح طبیعی، ۱۳۹۱). در واقع رابطه والد-فرزند<sup>۳</sup>، مولد احساس امنیت و عشق در فرزند است (هولت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). و این تجارب اولیه روابط در خانواده بر چگونگی روابط بعدی فرد اثر می‌گذارد (حاجی سلطانی، خواجه پور و یوسفی، ۱۴۰۲). زمانی که از رابطه والدین و فرزندان صحبت می‌شود، منظور رابطه ای است متقابل و دوجانبه که در آن والدین انتظارات و احساسات فرزند و نیازهای او را درک می‌کنند و مورد توجه قرار می‌دهند (شریعت باقری و نیک پور، ۱۳۹۷). به عبارتی رابطه والد فرزند متشکل از ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظاراتی است که منحصر به پدر و مادر خاص و یک فرزند خاص است و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می‌کند (میرزایی کوتنایی، شاکری نیا و اصغری، ۱۳۹۴). رابطه والد-فرزند در بسیاری از جنبه‌ها دوسویه است و تاثیر و عاملیت طرفین بر رابطه والد-فرزند تاثیرگذار است (ترومسدورف و کورنات<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳). یافته‌ها حاکی از آن هستند که مولفه‌های رابطه والد-فرزند یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری فرزندان است و استفاده از روش‌های کارآمد فرزند پروری، مهارت‌های منطقی و مهارت‌های حل مسئله<sup>۶</sup> از بروز مشکلات رفتاری فرزندان پیشگیری می‌کند (ساطوریان، طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۵). از سویی دیگر، همین دسته از یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند برخی از ویژگی‌های منفی مربوط به والدگری مانند شیوه‌های تربیتی سختگیرانه، الگوهای والدگری ناسالم و همچنین پایین بودن سطح روابط همدلانه میان والدین و فرزندان، برای والدین استرس‌زاست (شیرزادی، فرامرزی، قاسمی و شفیعی، ۱۳۹۳). در این رابطه، خصوصیات فردی والدین نیز اثرگذار است (ماسن، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۳). ویژگی‌هایی نظیر گوش دادن توأم با توجه، پذیرش عاری از قضاوت خود و فرزند، آگاهی هیجانی از خود و فرزند و خودتنظیمی در رفتار با فرزند ارکان مهم رابطه والد-فرزند را تشکیل می‌دهد (دانکن و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). به نقل از صادق زاده، عباسی، تقی پور و قاسمی، ۱۴۰۲). والدگری بر این فرض استوار است که والدین با مسائل فرزندشان درگیر می‌شوند و این درگیری نشان‌دهنده نوعی رویکرد سیستمی پویاست و حاصل گسترش رابطه فرزند و والدین است. آن‌چه از این رابطه گسترش یافته به دست می‌آید، طیف گسترده‌ای از تعاملات دوطرفه بین ویژگی‌های رفتار کودک و والدین است (زوبریک، اسمیت، نیکولسون، سانسون و جاکویوکز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). به عبارتی آنچه در ذهن والدین در هنگام تعامل با فرزندانشان می‌گذرد، بر رشد و تحول کودک و نیز رفتار والدین اثر دارد (بورنشتاین، پوتنیک و ساوالسکی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸). زیرا شناخت عمده والدین وابسته به رویدادها و مستلزم تلاش است؛ برای مثال والدین به طور آگاهانه به این فکر می‌کنند که چگونه مشکل پیش آمده در رابطه با فرزندانشان را حل کنند (وونگ و کام<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹). درگیر شدن والدین با مسائل موجود در رابطه والد-فرزند و تلاش آگاهانه برای حل اینگونه مسائل تحت عنوان

فراوالدگری<sup>۱۱</sup> معرفی می‌شود. فراوالدگری مجموعه‌ای از شناخت‌های والدین است که در تلاش و کنکاش برای شناخت، انتخاب و گسترش راهبردهایی که در زمینه مواجهه با مسائل و مشکلات فرزندان خود دارند (هاوک، هولدن و کازینسکی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳؛ اونات و کالوت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۹). در واقع فراوالدگری به شیوه تفکر والدین در مورد تربیت فرزند، اشاره دارد. این افکار ممکن است به والدین، فرزند، رابطه والد-فرزند و یا زمینه و بافت مربوط باشد (اونات و کالوت، ۲۰۱۹). بر این اساس فراوالدگری نشان دهنده این است که افکار و ارزیابی‌های والدین در مورد فرزندشان، فراتر از حد معمول است (جولایی‌ها، زارع و موسوی، ۱۳۹۶) و می‌توان گفت والدینی که در مورد فرزندشان آگاهی بیشتر و جامع‌تری دارند، کارهای بهتر و سنجیده‌تری انجام می‌دهند (هاوک و همکاران، ۲۰۰۳) و این می‌تواند از پیش نیازهای کارآمدی والدین باشد (القدری، سارا، بودوا و نرگیزا<sup>۱۴</sup>، ۲۰۲۲). از پژوهش‌ها در مورد تفاوت فراوالدگری در گروه مادران و پدران، یافته‌های متناقضی را ارائه نموده‌اند. در برخی از پژوهش‌ها تفاوتی بین مردان و زنان گزارش نشده است؛ (سود و سینگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۲۱) در حالی که برخی از پژوهش‌های دیگر توانایی فراوالدگری مادران را بیشتر از پدران ارزیابی نموده‌اند (هان<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۰).

در اغلب پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه والد-فرزند، توجه بیشتر، به سبک‌های فرزندپروری معطوف بوده است؛ در حالی که ویژگی‌های شخصیتی والدین، میزان آگاهی آنها از افکار مربوط به والدگری خود و همچنین جنبه‌های شناختی رابطه نظیر اهداف، انتظارات، ارزش‌ها و نگرش‌هایشان از اهمیت بالایی برخوردار است (باگنتال و جانسون<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۰؛ برنشتاین و چیا<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۶؛ خواجه نوری، مرادخانی، شیردل و براتی، ۱۳۹۳؛ خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارتی ویژگی‌های شخصیتی و شناخت‌های والدین در شیوه ارتباط آنها با فرزندان نقش جدی دارد.

یافته‌های پژوهش‌های خارجی و داخلی به شیوه‌های مختلف بر عوامل تاثیر گذار والدینی اشاره داشته‌اند. رضانی، عبدخدایی، طیبی و آقا محمدیان شعرباف (۱۳۹۷)، در پژوهشی با تمرکز بر ابعاد شناختی فرزندپروری والدین ایرانی به این نتیجه دست یافتند که قابلیت‌های درون فردی والدین (نظیر قابلیت‌های شناختی) و قابلیت‌های بین فردی والدین (نظیر نوع دوستی و صمیمیت) می‌تواند بر شیوه‌های تربیتی آن‌ها اثر بگذارد. هاوک و هولدن (۲۰۰۶)، نیز با توجه به ساختار شناختی اجتماعی جدید والدین با بررسی تعدادی از مادران آمریکایی نشان دادند که چگونه ویژگی‌های مادر در کنار ویژگی‌های کودک و بافت می‌تواند فراوالدگری آنها را متاثر نموده و تاثیرات شگرف والدگری داشته باشد. در برخی پژوهش‌های دقیق‌تر مشاهده شده است که رابطه والد-فرزند می‌تواند تحت تأثیر صمیمیت بین والدین در زمینه زندگی زناشویی‌شان، نوع نگرش آن‌ها به والدگری و انواع هیجانات مثبت و منفی باشد که احتمالاً آنها در طی فرآیند فرزندپروری خود، تجربه می‌کنند (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۶). از نظر جی بلکسی<sup>۱۹</sup> (۱۹۸۴)، یکی از عواملی که می‌تواند رابطه والد-فرزند را متاثر سازد، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های والدین است. همچنین مهارت‌های حل مسئله و قابلیت‌های روان‌شناختی والدین و همدلی از دیگر عوامل موثر بر رابطه والد-فرزند هستند (شکوهی یکتا، پرند و درگاهی، ۱۳۹۵؛ دامبروا<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۷ و رضانی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این به تاثیر صفات شخصیتی والدین در تربیت فرزندان، رابطه والد-فرزند و فراوالدگری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اشاراتی شده است (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۳).

در این راستا برخی از پژوهشگران نظیر آردلت<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۳) هستند که در اشاره به فضیلت‌هایی شخصی، از خردمندی<sup>۲۲</sup> به عنوان یک نگرش یا ویژگی شخصیتی، روشی برای تجربه و تامل در زندگی (که شامل تامل به دستیابی به معنا و رشد است)، رضایت و موضع باز و دلسوزانه نسبت به دیگران و تامل به تامل عمیق و انتقادی از خود یاد می‌کنند (براکاتو، هیکس و جایاویکرم<sup>۲۳</sup>، ۲۰۲۰). به عبارتی خردمندی را یک ویژگی و سازه شخصیتی می‌دانند که ترکیبی از سه بعدگسترده شناختی<sup>۲۴</sup>، تأملی<sup>۲۵</sup> و عاطفی<sup>۲۶</sup> است و وجود هر سه بعد برای خردمندی فرد الزامی است (آردلت، پرایدگن و نوترپرایدگن<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۸). از منظر آردلت (۲۰۰۳)، بعد تاملی نشان دهنده خودآگاهی و توانایی دیدن پدیده‌ها و مسائل از زوایای مختلف است و بعد عاطفی، نگرشی همدلانه، دلسوزانه و مثبت به دیگران را شامل می‌شود؛ و البته میل به دانستن حقیقت و درک عمیق‌تر زندگی پذیرفتن وجوه متناقض<sup>۲۸</sup> ماهیت انسان را ذیل بعد شناختی قرار می‌دهد. خردمندی به عنوان یک سازه شخصیتی می‌تواند بر تمامی جنبه‌های زندگی افراد از جمله رابطه والد-فرزند اثر بگذارد. برای مثال بعد تاملی خردمندی در رابطه والد-فرزند می‌تواند به صورت نگاه کردن به رویدادها از زاویه دید فرزند و توانایی در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف از مسائل مربوط به رابطه والد-فرزندی نمود یابد. بعد عاطفی خردمندی در رابطه والد-فرزند شامل توانایی والدین در درک و کنترل هیجانات خود است و با آرامش در رابطه والد-فرزند مشخص می‌شود. بعد شناختی خردمندی نیز به عنوان تامل و توانایی والدین برای تفکر عمیق درباره تجربیات والدینی، تعاملات والد-فرزند و عملکرد والدینی تجلی می‌یابد (بومپولی، بروزوس و وسیلوپولوس<sup>۲۸</sup>، ۲۰۲۲). افراد خردمند دیدی فراشناختی به مسائل دارند که به آن‌ها کمک می‌کند تا از آن چه که می‌دانند و آن چه که نمی‌دانند، آگاه شوند و محدودیت‌ها و توانایی‌های خود را بشناسند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ اسعدی، ۱۳۹۴؛ اسعدی و خورشیدی، ۱۳۹۶). پژوهش‌ها حاکی از آن است که افراد خردمند دانش و قابلیت‌های شناختی بالاتری نیز دارند (گلوک و بلوک<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۵؛ چراغی، وبستر، کدیور، عسگری و مظلوم، ۲۰۲۱)؛ اما جنبه‌هایی از خوداندیشی، شفقت، اخلاق و گشودگی در خردمندی وجود دارد (قربانی و خرمایی، ۱۳۹۵)، که آن را آمیزه‌ای از ابعاد اخلاقی، معنوی، تواضع و همدلی می‌کند (براکاتو و همکاران، ۲۰۲۰) که عنصر مشترکی از جنس تامل و عواطف را با دو سازه ارائه شده در این پژوهش (رابطه والد-فرزند، والدگری) داراست. بنابراین شاید بتوان خردمندی والدین را به عنوان یک عامل مرتبط با رابطه والد-فرزند و فراوالدگری مورد بررسی قرار داد. پژوهش‌های محدود دیگری نیز این ارتباط را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال نتایج پژوهش زمانپور، پاکدامن، قنبری و نجات (۱۴۰۲)، که بر روی مادران انجام شده بود، نشان داد که ظرفیت تاملی مادر با صمیمیت در رابطه والد-فرزندی ارتباط مثبت و معنا دار دارد. همان (۲۰۱۰) در پژوهشی دیگر که بر مادران کودکان پیش دبستانی کره‌ای انجام شد، به این نتیجه دست یافت که فراوالدگری با پیچیدگی تفکر ارتباط دارد. خردمندی والدین از طریق تاثیر بر رابطه والد-فرزند، بر شخصیت و رفتار فرزندان نیز اثر می‌گذارد. برای مثالدر پژوهش پدرام نیا و یوسفی (۱۳۹۷) بر روی دانش آموز دختر ایرانی دارای مشکلات رفتاری نتایج نشان داد بهبود خردمندی و راهبردهای مهار فکر در مادران باعث ایجاد واکنش‌های هیجانی و رفتاری مناسب در رابطه والد-فرزند آنها و در نتیجه کاهش اختلالات رفتاری در دخترانشان شد. همچنین زارع مظلوم، آردلت، اسعدی و دهقانی (۲۰۲۴)، در پژوهشی که بر والدین نوجوانان

انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که رشد خردمندی در والدین به رشد روانی و اجتماعی فرزندان آن‌ها کمک می‌کند

با توجه به گسترش دایره تعاملات اجتماعی\_فرهنگی و تغییرات فزاینده در بافت زندگی کودکان امروزی (شاغل بودن هر دو والد، دوربودن طولانی از والدین، امکانات رفاهی بیشتر، دریافت اطلاعات از مسیرهای ارتباطی متعدد مدرن و...)، والدین و فرزندان همزمان با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شوند. بدون شک خردمندی والدین، روابط مطلوب والد-فرزند و توانایی فراوالدگری‌ها و روابط بین این سازه‌ها می‌تواند برای والدین کارگشا باشد. به دلیل محدودیت پژوهش‌ها در حوزه خردمندی و به ویژه مفهوم فراوالدگری، تاکنون پژوهشی با این عنوان در جامعه ایران انجام نشده است و اغلب پژوهش‌ها در زمینه رابطه والد-فرزند، به سبک‌های فرزندپروری پرداخته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد پژوهش‌هایی در جهت شناسایی عوامل موثر بر رابطه مطلوب والد-فرزند و فراوالدگری کارآمد و خصوصاً مرتبط با مفاهیم جدید روان‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار باشد. علاوه بر نقش پررنگ مادر در رابطه با فرزندان، در کنار اهمیت ویژه‌ای که در سال‌های اخیر به جایگاه پدر داده شده است؛ این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سوالات بود که آیا خردمندی والدین می‌تواند رابطه والد-فرزند و فراوالدگری آن‌ها را پیش‌بینی کند؟ و گروه پدران و گروه مادران از این منظر چه تفاوت‌هایی دارند؟

## روش

این پژوهش از لحاظ هدف یک پژوهش بنیادی و طرح آن توصیفی و از نوع همبستگی بود. متغیر پیش‌بین در این پژوهش خردمندی و ابعاد آن و متغیر ملاک رابطه والد-فرزند و فراوالدگری بود. جامعه آماری این پژوهش، تمام والدین ساکن در شهر یزد در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بودند؛ که حداقل دو فرزند داشتند و به دلیل در نظر داشتن چالش‌های متفاوت دوره‌های سنی مختلف می‌بایست یک فرزندشان در دوره سنی نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سالگی) قرار داشت. با توجه به اینکه حداقل تعداد نمونه برای پژوهش‌های مربوط به تحلیل رگرسیون ۱۵۰ نفر است (هر، بلک، بابین و اندرسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)، حجم نمونه این پژوهش ۱۵۰ مادر و ۱۵۰ پدر در نظر گرفته شد که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به این صورت که بر اساس تقسیم‌بندی مناطق نظام مهندسی، شهر یزد به ده منطقه تقسیم شد و سه منطقه به طور تصادفی انتخاب شد. در ادامه از هر منطقه سه محله و پس از آن تعدادی از کوچه‌ها به طور تصادفی انتخاب شدند و به تمامی خانه‌های واجد شرایط پژوهش که تمایل به همکاری داشتند پرسش‌نامه‌ها تحویل داده شد. پس از شروع فرآیند تحلیل داده‌ها، حدود ۱۰۰ پرسش‌نامه با داده‌های پرت شناسایی شد که از فرآیند پژوهش حذف گردید و به منظور تکمیل تعداد نمونه مورد نیاز این پژوهش، مجدداً ۱۰۰ نفر به روش غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری، با استفاده از نرم افزار SPSS۲۶ آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه بر روی داده‌ها اجرا و یافته‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

## ابزار

## مقیاس رابطه والد-کودک پینانتا (1992) CPRS

این مقیاس توسط پینانتا (۱۹۹۲) ارائه شد و ۳۰ ماده را شامل می‌شود که ادراک والدین در مورد رابطه خود با فرزندشان را ارزیابی می‌کند. گویه‌ها و مولفه‌های این پرسش‌نامه بر اساس نظریه دلبستگی پیشینه‌های پژوهشی در زمینه روابط والد-فرزند طراحی شده‌اند. این مقیاس حوزه‌های صمیمیت (روابط نزدیک و صمیمی والدین و فرزندان)، تعارض (کشمکش‌ها و جنبه‌های منفی رابطه والد-فرزند) و وابستگی را در بر می‌گیرد (خداپناهی، قنبری، نادعلی و سیدموسوی، ۱۳۹۱). مقیاس رابطه والد-فرزند بر اساس گزارش والدین نمره‌گذاری می‌شود و یک پرسش‌نامه خود گزارشی است. این پرسش‌نامه براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. لازم به ذکر است این پرسشنامه نمره کل ندارد. پینانتا و اشتاینبرگ<sup>۳۱</sup> (۱۹۹۲) همسانی درونی برای مولفه صمیمیت، تعارض و وابستگی را به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۳ و ۰/۵۰ گزارش کرده‌اند. شیرالی نیا، ایزدی و اصلانی (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی آلفای کرونباخ مولفه‌های صمیمیت، تعارض و وابستگی را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۹ و ۰/۷۵ به دست آوردند. در پژوهش منفرد (۱۳۹۰) برای احراز روایی و پایایی این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تاییدی و آلفای کرونباخ استفاده شد و شاخص‌های به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی حاکی از برازش مدل و تایید آن بود. برای مثال شاخص RMSEA ۰/۰۴۲ محاسبه گردید و شاخص‌های CFI و GFI ۰/۷۹ به دست آمد که نشان دهنده برازش مناسب مدل و روایی مناسب این ابزار است. آلفای کرونباخ نیز در حوزه صمیمیت برابر با ۰/۷۴، در حوزه وابستگی ۰/۵۰ و در حوزه تعارض ۰/۸۷ گزارش شده است. همسانی درونی مولفه‌های صمیمیت، تعارض و وابستگی در این پژوهش نیز از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۷ و ۰/۶۴ به دست آمد.

## پرسشنامه فراوالدگری هاوک و هولدن (۲۰۰۶) MPQ

این ابزار توسط هاوک و هولدن (۲۰۰۶)، برای اندازه‌گیری شناخت و افکار تلاش‌مند، تهیه و تنظیم شده است. این پرسشنامه شامل ۲۴ گویه‌است که ۴ مولفه پیش‌بینی<sup>۳۲</sup> (در نظر گرفتن مسئله‌ای مربوط به تربیت فرزند قبل از وقوع آن)، ارزیابی کودک<sup>۳۳</sup> (ارزیابی کودک، والدین و یا زمینه و بافت)، تامل<sup>۳۴</sup> (ارزیابی مجدد والدین از رفتار خود و فرزندان) و حل مسئله (شناسایی مسائل و راهبردهای حل مسئله) را در بر می‌گیرد. این ابزار یک پرسشنامه خودگزارشی است و پاسخ‌دهی توسط یک مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای انجام می‌پذیرد. هاوک و هولدن (۲۰۰۶) آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۶۴ تا ۰/۷۷ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز جولاییها و همکاران (۱۳۹۶)، با تحلیل عاملی وجود چهار عامل را در سوالات تایید کردند که تبیین‌کننده ۳۸/۶۳ درصد واریانس کل بود. تحلیل عاملی تاییدی، نتایج حاصل را از تحلیل عامل اکتشافی تایید کرد و روایی سازه با ضریب همبستگی بررسی و ضرایب مولفه‌ها در دامنه ۰/۶۱ تا ۰/۸۰ و معنادار در سطح ۰/۰۱ گزارش شد. همچنین میزان آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه به طور کلی، ۰/۸۰ و برای هر یک از زیر مقیاس‌های پیش‌بینی، ارزیابی، تامل و حل مسئله، به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۷۶ و ۰/۸۲ به دست آوردند. آلفای کرونباخ برای نمره کل فراوالدگری در این پژوهش ۰/۸۶ و برای مولفه‌های حل مسئله، تامل، پیش‌بینی و ارزیابی به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۶۵ و ۰/۶۴ به دست آمد.

## مقیاس سه بعدی خرد آردلت (۲۰۰۳) 3D-WS

این مقیاس توسط آردلت (۲۰۰۳) معرفی و ساخته شد و ۳۹ گویه را شامل می‌شود که به صورت خود گزارشی بوده و پاسخ‌گویی بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای انجام می‌شود. این مقیاس سه بعدشناختی (توانایی فرد برای درک زندگی)، تاملی (بینش فردی و تامل درباره تجربیات خود) و عاطفی (رفتار و احساسات مثبت در مورد دیگران) را برای سنجش خردمندی در نظر می‌گیرد. آردلت (۲۰۰۹) آلفای کرونباخرا برای ابعاد شناختی، تاملی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۶ گزارش کرده است و روایی سازه، پیش بین و افتراقی را در سطح بالایی ارزیابی کرده است. در پژوهش‌های ایرانی نیز پایایی و روایی این ابزار مورد تایید قرار گرفته است. برای مثال در پژوهش سپهریان آذر و ستاری (۱۳۹۵)، ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد شناختی، تاملی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۵ و ۰/۷۸ به دست آمد. مرادی، کرد نوقایی، یعقوبی و رشید (۱۳۹۷)، نیز در پژوهشی ضرایب آلفای کرونباخ را برای ابعاد شناختی، عاطفی و تاملی به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۵۸ و ۰/۷۴ محاسبه نمودند. آن‌ها همچنین روایی این ابزار را با اجرای تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار دادند که شاخص‌های برازش، وضعیت قابل قبول را نشان دادند. برای مثال شاخص RMSEA برای مولفه‌های شناختی، عاطفی و تاملی به ترتیب ۰/۰۵، ۰/۰۴ و ۰/۰۵ محاسبه گردید. شاخص GFI نیز برای مولفه‌های شناختی، عاطفی و تاملی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۷ و ۰/۹۷ به دست آمد و سایر شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی نیز مورد قبول بوده و حاکی از روایی مناسب ابزار بود. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ نمره کل خردمندی ۰/۸۰ و برای ابعاد شناختی، تاملی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۹ و ۰/۷۷ محاسبه گردید که نشان از پایایی مناسب این ابزار دارد.

## نتایج

در این پژوهش ۳۰۰ نفر شرکت داشتند که نیمی از آن‌ها (۱۵۰ نفر) پدر و نیم دیگر (۱۵۰ نفر) مادر بودند. میانگین سنی مادران ۳۷/۷۸ و میانگین سنی پدران ۴۱/۶۷ بود که به طور میانگین ۱۷/۲۸ سال از زمان ازدواج آنها می‌گذشت. ۵۰٪ از والدین حاضر در پژوهش فرزند نوجوان دختر، ۴۸/۷٪ فرزند نوجوان پسر و ۱/۳٪ از والدین هم فرزند نوجوان پسر و هم فرزند نوجوان دختر داشتند. برای انجام تحلیل رگرسیون چندگانه، ابتدا باید پیش فرض‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. اولین پیش فرض مهم، بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها است. علاوه بر این، برای انجام تحلیل رگرسیون چندگانه باید روابط همبستگی میان متغیرهای پژوهش وجود داشته باشد اما پیش فرض مهم دیگر، عدم وجود همخطی (همبستگی زیاد) بین متغیرهای مستقل است که از طریق مقدار VIF مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور بررسی روابط اولیه بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش و ابعاد و مولفه‌های آن‌ها و بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱ شناختی	۱											
۲ تاملی	۳۸۰ <sup>۰۰</sup> ۰/	۱										
۳ عاطفی	۲۸۹ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۴۵	۱									
۴ خردمند ی	۸۳۳ <sup>۰۰</sup> ۰/	۶۴۲ <sup>۰۰</sup> ۰/	۶۲ <sup>۰۰</sup> ۰/۴	۱								
۵ ارزیابی	۲۳۲ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۲۲	۲۲ <sup>۰۰</sup> ۰/۶	۲۳۷ <sup>۰۰</sup> ۰/	۱							
۶ پیش‌بین ی	۲۲۷ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۹۶	۲۱ <sup>۰۰</sup> ۰/۳	۲۵۹ <sup>۰۰</sup> ۰/	۶۲ <sup>۰۰</sup> ۰/۰	۱						
۷ تامل	۱/۱۲۷ <sup>۰</sup> ۰	۱۷۱ <sup>۰۰</sup> -۰/	۲۰ <sup>۰۰</sup> ۰/۷	۴۹ <sup>۰۰</sup> ۰/۷	۴۸۵ <sup>۰۰</sup> ۰/	۱						
۸ حل مسئله	۱۷۵ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۷۳	۲۰ <sup>۰۰</sup> ۰/۴	۲۱۷ <sup>۰۰</sup> ۰/	۳۶ <sup>۰۰</sup> ۰/۸	۴۳۹ <sup>۰۰</sup> ۰/	۳۸ <sup>۰۰</sup> ۰/۲	۱				
۹ فراوالد گری	۲۵۰ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۳۱	۲۷ <sup>۰۰</sup> ۰/۴	۲۷۲ <sup>۰۰</sup> ۰/	۷۸ <sup>۰۰</sup> ۰/۵	۸۱۲ <sup>۰۰</sup> ۰/	۷۰ <sup>۰۰</sup> ۰/۱	۷۷ <sup>۰۰</sup> ۰/۶	۱			
۱۰ صمیمی ت	۲۵۰ <sup>۰۰</sup> ۰/	۰/۰۳۸	۲۶ <sup>۰۰</sup> ۰/۵	۲۷۱ <sup>۰۰</sup> ۰/	۳۸ <sup>۰۰</sup> ۰/۱	۳۹۶ <sup>۰۰</sup> ۰/	۲۵ <sup>۰۰</sup> ۰/۵	۱۸ <sup>۰۰</sup> ۰/۲	۳۸ <sup>۰۰</sup> ۰/۲	۱		
۱۱ تعارض ض	۲۵۵ <sup>۰۰</sup> -۰/	۳۰۱ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱/۰۲۳	۲۵۳ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱/۰۷۲	۱۶۵ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱/۰۹۸	۱/۰۲۳	۱/۰۶۳	۴۲۷ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱	
۱۲ وابستگی تگی	۱۵۷ <sup>۰۰</sup> -۰/	۲۶۳ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱/۰۴۷	۱۷۴ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱۷ <sup>۰۰</sup> ۰/۰	۲۳۷ <sup>۰۰</sup> ۰/	۲۴ <sup>۰۰</sup> ۰/۳	۱/۰۲۲	۱۷ <sup>۰۰</sup> ۰/۴	۲۳۹ <sup>۰۰</sup> ۰/	۱۸۶ <sup>۰۰</sup> -۰/	۱
ضریب چولگی	۰/۳۰۱	۰/۳۰۳	۱/۹۴۸	۰/۱۴۹	۱/۳۵۱	۰/۳۲۲	۱/۲۷۳	۱/۲۳۲	۱/۰۹۰	۰/۸۰۴	۰/۱۰۰	۱/۱۸۶
ضریب کشیدگی ی	۰/۳۷۴	۰/۳۳۴	۱/۹۶۲	۰/۰۸۲	۱/۲۲۶	۰/۵۲۲	۱/۶۱۳	۱/۵۴۷	۱/۲۷۵	۰/۷۱۷	۰/۷۹۸	۱/۱۸۰

\*۰/۰۵\* \*۰/۰۱\*

طبق نتایج جدول ۱ متغیرهای مورد بحث در این پژوهش و ابعاد و مولفه‌های آن‌ها روابط همبستگی معناداری دارند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد خردمندی با فراوالدگری (۰/۲۷۲) و مولفه صمیمیت رابطه والد-فرزند رابطه مثبت و معنادار و با مولفه‌های تعارض و وابستگی رابطه والد-فرزند رابطه منفی و معنادار (صمیمیت: ۰/۲۷۱، تعارض: ۰/۲۵۳- و وابستگی: ۰/۱۷۴-) دارد و بنابراین وجود روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش تایید می‌گردد. علاوه بر آن ضرایب کشیدگی و چولگی (جدول ۱) مقادیری بین ۱ و ۱- دارند که نشان

دهنده این است که توزیع داده‌ها به توزیع نرمال نزدیک است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر VIF کمتر از ۵ بوده و در نتیجه نشان دهنده عدم همخطی داده‌ها است. بنابراین پیش‌فرض دیگر انجام تحلیل رگرسیون چندگانه نیز در این پژوهش برآورده می‌گردد.

پس از برآورده شدن پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون چندگانه (وجود همبستگی میان متغیرهای پژوهش و نرمال بودن داده‌ها)، نقش پیش‌بین خردمندی در رابطه والد-فرزند و فراوالدگری بررسی شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد خردمندی بر مولفه‌های رابطه والد-فرزند و فراوالدگری

Sig	F	R <sup>2</sup>	R	VIF	Sig	بتا	B	ابعاد خردمندی	
/۰۰۰۰۱	۱۱/۶۳۹	/۰۱۰۶	/۰۳۲۵	۱/۲۷۹	/۰۰۰۱	/۰۲۱۰	۱/۱۷۷	شناختی	صمیمیت
								تاملی	
								عاطفی	
/۰۰۰۰۱	۱۳/۵۶۵	/۰۱۲۱	/۰۳۴۸	۱/۲۷۹	/۰۰۰۲	-/۰۱۹۳	-/۰۲/۰۴۱	شناختی	فراورد
								تاملی	
								عاطفی	
/۰۰۰۰۱	۸/۴۸۴	/۰۰۷۹	/۰۲۸۱	۱/۲۷۹	/۰۱۳۹	-/۰۰۹۴	-/۰۲/۳۸۵	شناختی	وابستگی
								تاملی	
								عاطفی	
/۰۰۰۰۱	۷/۶۴۶	/۰۰۷۲	/۰۲۶۸	۱/۱۳۵	/۰۱۸۹	/۰۰۷۸	/۰۱۱۳	شناختی	فراوالدگری
								تاملی	
								عاطفی	

طبق اطلاعات جدول ۲، سطح معناداری تحلیل واریانس برای مدل رگرسیونی در تمامی مولفه‌های موردبررسی کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و قابلیت پیش‌بینی خردمندی برای مولفه‌های رابطه والد-فرزند و نمره کل فراوالدگری را نشان داد. به علاوه ضرایب استاندارد شده بتا، شدت و جهت رابطه را نشان می‌دهد که به عنوان مثال بعد شناختی خردمندی قادر به پیش‌بینی افزایش صمیمیت (۰/۲۱۰) و کاهش تعارض (-/۰۱۹۳) در رابطه والد-فرزند بود. با توجه به نتایج جدول ۲، صمیمیت از ابعاد شناختی (۰/۲۱۰) و عاطفی (۰/۲۰۷) تأثیر مثبت می‌پذیرد. وجود نمرات بالا در ابعاد شناختی (-/۰۱۹۳) و تاملی (-/۰۲۳۲) پیش‌بین کاهش تعارض در رابطه والد-فرزند است. بعد تاملی خردمندی با کاهش وابستگی‌های ناسالم (-/۰۲۳۱) در رابطه والد-فرزند مرتبط و بعد عاطفی خردمندی قادر به پیش‌بینی فراوالدگری بهتر (۰/۱۶۵) است. پس از انجام تحلیل رگرسیون چندگانه در گروه نمونه متشکل از پدران و مادران، برای درک بهتر تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه، تحلیل رگرسیون چندگانه در هر یک از گروه‌های پدران و مادران به طور جداگانه انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد خردمندی بر مولفه‌های رابطه والد-فرزند و فراوالدگری به تفکیک جنسیت

گروه	B		بتا		Sig		R		R <sup>2</sup>		F		Sig	
	مادران	پدران	مادران	پدران	مادران	پدران	مادران	پدران	مادران	پدران	مادران	پدران	مادران	پدران
صمیمیت	شناختی	-۰/۰۰۹	۰/۱۷۱	-۰/۰۱۵	-۰/۲۳۷	۰/۸۶۲	۰/۰۰۵							
	تاملی	۰/۲۶۶	۰/۱۳۰	۰	۰	۰/۱۱۳	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	۰/۲۸۹	۰/۱۱۷	۰/۰۸۴	۰/۶۴۶۷	۴/۴۵۰	۰/۰۰۰۱
	عاطفی	۰/۰۵۳	۰/۱۴۹	۰	۰	۰/۱۶۹	۰/۳۹۸	۰/۰۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۵
توان	شناختی	۰/۱۷۶	۰/۲۷۲	۰/۱۵۵	۰/۲۲۱	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۲۴	۳/۶۳	۰/۰۰۰
	تاملی	۰/۵۳۷	۰/۴۰۴	۰/۳۳۶	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۴	۸/۰	۶/۰	۰/۰۰۰
	عاطفی	۰/۱۱۰	۰/۰۴۲	۰	۰	۰/۰۸۲	۰/۰۲۸	۰/۷۳۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۱
وابستگی	شناختی	۰/۰۵۹	۰/۰۳۱	۰/۱۸۷	۰/۰۸۳	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰	۰/۲۳۶	۰/۴۰	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۱	۸/۵	۰/۰۳۹
	تاملی	۰/۰۵۹	۰/۰۵۵	۰/۱۳۲	۰/۰۹۲	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۱	۲/۹	۱/۵	۰
	عاطفی	۰/۰۳۸	۰/۰۰۴	۰	۰	۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۰/۹۲۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۹
فراوالدگری	شناختی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۱۴۱	۰/۹۷۶	۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۱۷	۰/۱۶۷	۰/۰۲	۰/۰۹	۷/۶۶	۰/۰۰۰
	تاملی	۰/۴۸۶	۰/۰۲۹	۰	۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۹/۰	۱/۴	۰/۰۰۰
	عاطفی	۰/۴۰۸	۰/۱۴۱	۰/۲۴۵	۰/۰۸۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰۰

تفاوت‌های جنسیتی در تحلیل رگرسیون چندگانه را می‌توان در جدول ۳ مشاهده کرد. به عنوان مثال صمیمیت رابطه والد-فرزندی در مادران با ابعاد شناختی (۰/۲۳۷) و عاطفی (۰/۱۶۹) خردمندی در ارتباط بوده؛ در حالی که صمیمیت رابطه والد-فرزندی در پدران تحت تاثیر بعد تاملی (۰/۳۱۱) خردمندی قرار می‌گیرد. بعد شناختی خردمندی می‌تواند کاهش تعارضات (۰/۲۲۱-) در رابطه والد-فرزندی مادران را پیش‌بینی نماید؛ در حالی که این اثر گذاری در گروه پدران معنادار نیست. بعد شناختی خردمندی نیز قادر به پیش‌بینی کاهش وابستگی‌های ناسالم (۰/۱۸۷-) در رابطه پدران با فرزندانشان است؛ در حالی که برای گروه مادران این رابطه معنادار به دست نیامده است. تفاوت جنسیتی دیگری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مربوط به ارتباط فراوالدگری با ابعاد خردمندی است. ابعاد تاملی (۰/۲۴۴) و عاطفی (۰/۲۴۵) خردمندی قادر به پیش‌بینی فراوالدگری در گروه پدران هستند در حالی که هیچ‌یک از این ابعاد نقشی در پیش‌بینی فراوالدگری مادران نداشت. علی‌رغم وجود تفاوت‌های جنسیتی، شباهتی نیز در گروه‌های پدران و مادران در جدول ۳ مشاهده می‌شود. بعد تاملی خردمندی قادر به پیش‌بینی کاهش تعارض هم‌در گروه پدران (۰/۳۳۶-) و هم‌در گروه مادران (۰/۲۰۶-) است.

## بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش پیش بین خردمندی در رابطه والد-فرزند و فراوالدگری بر روی ۱۵۰ پدر و ۱۵۰ مادر انجام شد. نتایج این پژوهش به طور کلی نشان داد که خردمندی قادر به پیش بینی رابطه والد-فرزند و فراوالدگری والدین است؛ به طوری که هرچه والدین بیشتر از مولفه های منتسب به خردمندی بهره مند باشند، صمیمیت بیشتر و تعارضات و وابستگی های مخرب کمتری را در رابطه با فرزند خود تجربه می کنند و قابلیت های فراوالدگری بالاتری خواهند داشت. اگرچه پژوهشی مشابه این پژوهش یافت نشد، اما یافته های این پژوهشاز جهاتی با نتایج پژوهش های باگنتال و جانسون (۲۰۰۰)، بومپولی و همکاران (۲۰۲۲)، برنشتاین و چپاه (۲۰۰۶)، خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۳)، شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۵)، ساطوریان و همکاران (۱۳۹۵)، هان (۲۰۱۰) خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۶)، دامبروا (۲۰۱۷)، زمانپور و همکاران (۱۴۰۲) و رضانی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود.

افراد خردمند ویژگی هایی دارند که آن ها را از سایر افراد متمایز می سازد. به عنوان مثال، افراد خردمند دید همه جانبه ای نسبت به مسائل دارند (آردلت، ۲۰۰۳) و می توانند از دید دیگران به مسائل بنگرند. علاوه بر این همدلی و توانایی درک دیگران یکی از ویژگی های اصلی افراد خردمند به شمار می رود (اسعدی ۱۳۹۴). بنابراین افراد خردمند روابط عمیق و سالم تری را با سایر افراد شکل می دهند (گلوک و بلوک، ۲۰۰۵). رابطه والد-فرزند یکی از مهم ترین و بنیادی ترین روابطی است که همه افراد به نوعی آن را تجربه می کنند. با توجه به ویژگی های خردمندی انتظار می رود والدینی که خردمندی بالاتری دارند، بتوانند در رابطه با فرزند خود نیز او را بهتر درک کنند و بتوانند از زاویه دید او به مسائل نگاه کنند و با او همدلی داشته باشند. والدین خردمند در خصوص عملکرد خود به عنوان والد، عمیقاً فکر می کنند (بومپولی و همکاران، ۲۰۲۲) و در خصوص اعمال خود تفکر انتقادی دارند (براکاتو و همکاران، ۲۰۲۰). آن ها سعی دارند از طریق بررسی و ارزیابی تجارب پیشین، به روش های درست تعامل با فرزندشان پی ببرند. بنابراین چنین والدینی نسبت به پذیرش اشتباهات خود در رابطه والد-فرزندی مقاومتی ندارند و از دانستن آن استقبال می کنند. آن ها بیشتر در پی حل مسائل هستند؛ در مورد مسائل و روابط خود و محیط اطراف تامل می کنند و برای احساسات دیگران و به ویژه فرزندانشان اهمیت قائل هستند (آردلت، ۲۰۰۳). آن ها همچنین توانایی مدیریت هیجانات خود را دارند و آرامش در روابط والد-فرزندی آن ها حاکم است (بومپولی و همکاران، ۲۰۲۲). چنین والدینی توانایی های شناختی بالاتری نیز دارند (گلوک و بلوک، ۲۰۰۵)؛ که می توان این ویژگی ها را از عوامل موثر بر فراوالدگری دانست. والدین خردمند در این پژوهش نمرات بالاتر صمیمت در رابطه والد-فرزند و همچنین نمرات بالاتر در فراوالدگری راداشتند. علاوه بر آن نتایج این پژوهش نشان داد که خردمندی والدین می تواند کاهش تعارضات و وابستگی های مخرب را در رابطه والد-فرزند در پی داشته باشد.

مسئله حائز اهمیت در تبیین نتایج مربوط به ابعاد خردمندی آن است که ابعاد تاملی، عاطفی و شناختی کاملاً جدا از هم نیستند و همپوشانی زیادی بین تعاریف و ویژگی های ناشی از ابعاد خردمندی وجود دارند (بومپولی و همکاران، ۲۰۲۲). همان طور که اشاره شد نتایج این پژوهش نشان داد بعد تاملی در پدران و بعد شناختی در مادران می تواند صمیمیت بیشتر و تعارض کمتری در رابطه والد-فرزندی پیش بینی کند. همچنین بعد عاطفی در مادران پیش بین صمیمت آن ها در رابطه مادر-فرزند است. در تبیین این یافته ها می توان گفت

پدرانی که ظرفیت تاملی بالایی دارند، در درک دیدگاه فرزند خود موفق‌تر عمل می‌کنند و می‌توانند تفاوت‌های خودشان و فرزندانشان را بپذیرند. در نتیجه ظرفیت تاملی پدران می‌تواند تسهیل‌گر رابطه والد-فرزند باشد (زمانپور و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به اینکه تعامل بین پدران و فرزندان پویا و مداوم است، منطقی است که تامل پدران در خصوص تأثیری که بر فرزند دارند، نقش مهمی در ایجاد رابطه نزدیک با او دارد (اسمالینگ و همکاران، ۲۰۱۶). پدرانی که نمرات بالاتری در بعد تاملی کسب نموده‌اند، توانایی دیدن مسائل از زوایای مختلف را دارند، واقعیات را بدون تحریف شناختی درک می‌کنند، خودمحموری و فرافکنی کمتری را تجربه می‌کنند و با هدف‌یادگیری و کسب بینش درباره تجربیات خود تامل می‌کنند (آردلت، ۲۰۰۳). بنابراین چنین پدرانی فرزندان نوجوان خود را همانطور که هستند می‌پذیرند و مسائل مربوط به فرزند خود را که به دلیل حضور در سنین حساس و پرچالش نوجوانی، متفاوت است را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند و به تبع آن راهبرد مناسبی برای ارتباط با فرزند خود در نظر می‌گیرند که همین امر باعث افزایش صمیمیت و کاهش تعارض در رابطه پدر-فرزند می‌گردد. از سوی دیگر، مادرانی که نمرات بالاتری در بعد عاطفی کسب می‌کنند، رفتار و احساسات مثبت و عشق همدلانه و دلسوزانه‌ای نسبت به دیگران دارند (اسعدی، ۱۳۹۴؛ اسعدی و خورشیدی، ۱۳۹۶) و این مهربانی‌ها و عشق همدلانه زمانی که در رابطه مادر-فرزند اتفاق می‌افتد، افزایش صمیمیت بین مادر و فرزند را در پی خواهد داشت. مادرانی که نمرات بالایی در بعد عاطفی دارند، قادرند احساسات و نیازهای فرزند خود را درک کنند و در رویارویی با مسائل و مشکلاتی که در رابطه والد-فرزند رخ میدهد، توانایی کنترل هیجانات خود و رفتار سنجیده را دارند (بومپولی و همکاران، ۲۰۲۲)، که تمامی موارد ذکر شده از ویژگی‌های رابطه والد-فرزند موثر است (شریعت باقری و نیک پور، ۱۳۹۷) و نشان از وجود صمیمیت در رابطه والد-فرزند دارد. همچنین مادرانی که نمرات بالایی در بعد شناختی دارند، به دنبال کشف حقیقت و ارتقاء سطح اطلاعات و دانش خود هستند (آردلت، ۲۰۰۳) و در نتیجه صمیمیت بیشتر و تعارضات کمتری در رابطه با فرزند خود تجربه خواهند کرد.

یافته دیگر این پژوهش حاکی از آن بود که بعد شناختی در پدران قادر به پیش‌بینی معکوس وابستگی آن‌ها در رابطه والد-فرزند است. همچنین افزایش نمرات در بعد تاملی در گروه پدران، کاهش تعارضات رابطه پدر-فرزند را در پی داشت. به عبارت دیگر پدرانی که در بعد شناختی خردمندی قوی‌تر باشند، وابستگی مخرب کمتری را در رابطه با فرزندشان تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد بعد شناختی خردمندیکه حاکی از میل به دانستن حقیقت است به فرد کمک می‌کند تا اهمیت عمیق‌پدیده‌ها را به ویژه در مسائل درون‌فردی و میان‌فردی درک کند (آردلت، ۲۰۰۳). در چنین شرایطی پدران تلاش می‌کنند در خصوص مسائل مختلف از جمله رابطه پدر-فرزند خود، ویژگی‌های خود و فرزند اطلاعات درستی داشته باشند تا به درستی و متناسب با شرایط رفتار کنند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که چنانچه والدین ویژگی‌های شخصیتی منفی مانند عدم توافق‌پذیری و عدم پذیرش داشته باشند، رفتارهای استقلال‌طلبانه فرزند خود را به رسمیت نمی‌شناسند و از استقلال فرزند خود واهمه دارند؛ لذا حالت‌های وابستگی را در فرزند خود تقویت می‌کنند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵). بدیهی است ویژگی‌های شخصیتی مثبت که فرد را به پذیرش سوق می‌دهد، از استقلال فرزندان حمایت می‌کند و از سایر تعارضات پدر-فرزند نیز می‌کاهد. بنابراین بالا بودن نمرات بعد شناختی در پدران کمک می‌کند تا آنها بتوانند مسائل فرزند خود را بهتر درک کرده، ویژگی‌های دوران نوجوانی که

تمایل به حفظ استقلال و کسب هویت را نیز شامل می‌شود، بشناسند و در نتیجه سعی در ایجاد وابستگی‌های مخرب و اعمال نفوذهای اجباری در رابطه پدر- فرزند خود نداشته باشند و در نتیجه تعارضات کمتری در رابطه پدر- فرزند تجربه کنند. از دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که بعد عاطفی خردمندی قادر به پیش‌بینی فراوالدگری والدین است. بعد عاطفی خردمندی، احساسات و رفتارهای دلسوزانه فرد را نسبت به دیگران در پی دارد. بنابراین والدینی که نمرات بالاتری را در بعد عاطفی گزارش نمودند، همدلی بیشتری با فرزند خود دارند و رفتارهای مثبت و دلسوزانه خود در پی بهبود رابطه والد- فرزند هستند. آن‌ها احساسات فرزند خود را می‌پذیرند و قادر به شناسایی و بروز دادن درست احساسات و هیجانات خود هستند. چنین والدینی شرایط روانی و احساسی فرزند خود را به ویژه در شرایط حساس نوجوانی که دوران تغییرات شدید هیجانی و احساسی است، بهتر درک می‌کنند و به سبب آن به دنبال ارتقا بخشیدن به سطح روابط والد- فرزند خود هستند؛ که همین امر افزایش نمرات فراوالدگری آن‌ها را در پی دارد. در نهایت باید به این نکته توجه داشت که این پژوهش در فرهنگ حاکم بر شهر یزد انجام شده است و نتایج این پژوهش تحت تاثیر ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، اقلیمی و ... این جامعه قرار دارد و بالطبع تعمیم نتایج این پژوهش را به دیگر جوامع با محدودیت مواجه می‌کند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به خودگزارشی بودن ابزارهای سنجش اشاره نمود؛ چراکه ممکن است افراد سوگیری‌هایی در مورد متغیرهای مورد سنجش خود داشته باشند و بنابراین گزارشات آنها صد در صد منطبق با واقعیت نباشد. همچنین جدید بودن مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش، کم بودن پیشینه پژوهشی به ویژه در جامعه ایران را در پی داشت. پیشنهاد می‌شود در این زمینه علاوه بر خودگزارشی از روش‌هایی نظیر مشاهده و یا مصاحبه نیز استفاده گردد تا صحت داده‌ها افزایش یابد. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در مورد فراوالدگری در جامعه ایران انجام گردد تا جوانب مختلف این مسئله در فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار گیرد و امکان مقایسه با سایر فرهنگ‌ها میسر شود.

## پی‌نوشت‌ها

1. Mental health
2. Jaureguizar, Zare & Mousavi
3. Child-Parent Relationship
4. Carnes-Holt
5. Trommsdorff & Kornadt
6. Problem-Solving
7. Duncan, Coatsworth & Greenberg
8. Zubrick, Smith, Nicholson, Sanson & Jackiewicz
9. Bornstein, Putnick & Suwalsky
10. Wong & Kam
11. Meta-Parenting
12. Howk, Holden & Kuczynski
13. Onate & Calvete
14. AL-Qadri, Saraa, Boudouaia & Nargiza
15. Sood & Singh
16. Han
17. Bugental & Johnston
18. Bornstein & Cheah
19. Belsky
20. Dumbrava
21. Ardel
22. Wisdom
23. Brocato, Hix & Jayawickreme
24. Cognitive
25. Reflective
26. Affective
27. Ardel, Pridgen & Nutter-Pridgen
28. Boumpoul, Brouzos & Vassilopoulos
29. Gluck & Bluck
30. Hair, Black, Babin & Anderson
31. Pianta & Steinberg
32. Anticipating
33. Assessing
34. Reflecting

## References

- Al-Qadri, A. H., Saraa, N., Boudouaia, A., & Nargiza, N. (2022). A Study on meta-parenting: Yemeni parental cognition. *Heliyon*, 8(11).
- Amir, F., Hassanabadi, H., Asgharinekah, S. M. & Tabibi, Z. (2012). The parent study investigated the effects of play therapy based on child-parent relationship therapy on improving parenting styles. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 1(4), 473-489 [In Persian].
- Ardelt, M., Pridgen, S. & Nutter-Pridgen, K. (2018) The relation between age and three-dimensional wisdom: Variations by wisdom dimensions and education. *The Journals of Gerontology: Series B*, 73(8), 1339-1349.
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2009). How similar are wise men and women? a comparison across two age cohorts. *Research in Human Development*, 6(1), 9-26.
- Asadi, S. (2015). Characteristics of wise people based on implicit theories: regarding group and gender differences. *Positive Psychology Research*, 1(1), 51-66 [In Persian].
- Asadi, S., Amiri, S., Molavi, H., & Bagheri, K. (2013). Introducing the concept of wisdom in psychology and its educational applications. *New Educational Approaches*, 8(2), 1-28 [In Persian].
- Asadi, S., Khorshidi, R., & Glück, J. (2019). Iranian children's knowledge about wisdom. *Cognitive Development*. 52, 100814.
- Belsky, J. (1984). The Determinants of parenting: a process model. *Child Development*. 83-96.
- Bluck, S., & Glück, J. (2005). From the inside out: people's implicit theories of wisdom. in R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.). *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*. (pp. 84–109). Cambridge University Press.
- Bornstein, M. H., & Cheah, C. S. (2013). The place of “culture and parenting” in the ecological contextual perspective on developmental science. *Parenting beliefs, behaviors, and parent-child relations*. 3-34. Psychology Press.
- Bornstein, M. H., Putnick, D. L., & Suwalsky, J. T. (2018). Parenting cognitions→ parenting practices child adjustment? The standard model. *Development and Psychopathology*, 30(2), 399-416.
- Boumpouli, C., Brouzos, A., & Vassilopoulos, S.P. (2022) Conceptualizing Parenting Wisdom: Scale Development and Validation, *Marriage & Family Review*, 58(4), 329-361, URL: <https://doi.org/10.1080/01494929.2021.1974642>
- Brocato, N., Hix, L. & Jayawickreme, E. (2019). Challenges in measuring wisdom-relevant constructs in young adult undergraduate students. *Journal of Moral Education*, 49(1), 46-70.
- Bugental, D. B., & Johnston, C. (2000). Parental and child cognitions in the context of the family. *Annual Review of Psychology*. 51(1), 315-344.
- Carnes-Holt, K. (2012). Child–parent relationship therapy for adoptive families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.
- Cheraghi, F., Webster, J., Kadivar, P., Asgari, A., & Mazlum, F. (2021). Validating the self-assessed wisdom scale (SAWS) in an Iranian sample: psychometric and developmental findings. *Journal of Cross-Cultural Gerontology*, 36, 407-429.
- Dumbravă, I. L. (2017). An empirical approach to wisdom processes. *Romanian Journal of Applied Psychology*, 19(2), 50-58.

- Hair, J. J. F., Black, W. C., Babin, B. J., & Anderson, R. E. (2009). *Multivariate data analysis*. 7th Edn, 677–679.
- Hajisoltani M B, KhajehPour L, Yousefi E.(2024). Investigating the Mediating Role of Parent-Child Relationship in the Association between Responsibility and Adjustment in Single-Parent Teenagers in Tehran. *Quarterly Journal of Family and Research*, 21 (2) :169-189. URL: <http://qjfr.ir/article-1-2285-en.html>. [In Persian].
- Ghorbani, R., &Khormaei, F. (2016). Explaining wisdom on the basis of successful intelligence and coping self efficacy. *Developmental psychology, (Journal of Iranian psychologists)*, 13(49), 43-55. [In Persian].
- Han, Y. M. (2010). A study on meta-parenting of mothers with preschool children. *Korean Journal of Human Ecology*. 19(1), 39-49.
- Hawk, C. K., & Holden, G. W. (2006). Meta-parenting: an initial investigation into a new parental social cognition construct. *Parenting: Science and Practice*. 6(4), 321-342.
- Holden, G. W., Hawk, C. K., & Kuczynski, L. (2003). Meta-parenting in the journey of child-rearing. *Handbook of Dynamics in Parent-Child Relations*. 189-210.
- Jaureguizar, J., Bernaras, E., Bully, P., & Garaigordobil, M. (2018). Perceived parenting and adolescents' adjustment. *Psicologia: Research and Review*, 31, 8.
- Julaieha, S., Zare, H., & Mousavi, S. (2017). Evaluation of psychometric properties of the meta-parenting questionnaire. *Pajouhan Scientific Journal*, 16(1), 42-48 [In Persian].
- Khajenoori, B., Moradkhani, M., Shirdel, E., & Barati, S. (2016). A study of the relationship between social identity and parenting style Ilam city's mothers. *Journal of Applied Sociology*, 27(3), 1-14. [In Persian].
- Khodapanahi, M. K., Ghanbari, S., Nadali, H., & Seyed Mousavi, P. (2012). Quality of mother-child relationships and anxiety syndrome in preschoolers. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists)*. 9(33), 5-13 [In Persian].
- Khojastemehr, R., Falahikhoshknab, M., Hejari, S., & Soodani, M. (2017). Parenting after divorces: a qualitative research. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 15(2), 239-245 [In Persian].
- Merrifield, K. A., Gamble, W. C., & Yu, J. J. (2015). Using social cognitive theory to understand meta-parenting in parents of young children. *Family Science*, 6(1), 362- 369.
- Mirzaei F, Shakerinia I, Asghari F. (2016). The Associations between Parent-Child Relationship and Aggressive Behavior among Students. *Journal of Child Mental Health*, 2 (4), 21-34. [In Persian].
- Moradi, S., KordNoghabi, R., Yaghoobi, A., & Rashid, K. (2018). Explanation of Wisdom Based on Developmental Assets by Mediating Thriving (Developing a Causal Model). *Journal of Research in Educational Systems*, 12(41), 7-25.[In Persian].
- Mussen, P. H., Conger, J. J., Kagan, J., & Huston, A. C. (1990). *Child development and personality*. (M. Yasaei, Trans.2004.). Tehran: Markaz Publication, Mad Book.
- Oñate, L., & Calvete, E. (2019). The Beneficial role of mindfulness facets in relatives of people with intellectual and developmental disabilities. *Mindfulness*. 10(9), 1883-1892.
- Pedramnia, S, Yosefi Z. (2018). The relationship between wisdom dimensions and thought control strategies of mothers with symptoms of behavioral disorders in girls. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 5(2), 131-141 [In Persian].
- Pianta, R. C. (1992). *Child-parent relationship scale*. Unpublished measure, University of Virginia. Retrieved from <https://curry.virginia.edu/facultyresearch/centers-labs-projects/castl/measures-developed-robert-c-pianta-phd>
- Pianta, R. C., & Steinberg, M. S. (1992). Teacher-child relationships and the process of adjusting to school. *New Directions for Child Development*, 57, 61-80.

- Ramezani, V., Abd Khodae, M. S., Tabibi, Z., Aghamohammadian, H. R. (2019). Healthy and pathological aspects of parenting among Iranian families: a qualitative research. *Journal of Research in Psychological Health*, 13(1), 58-80 [In Persian].
- Sadeghzadeh, M., Abbasi, M., Taghipour, N., & Ghasemi, N. (2023). The Structural Relationship between Mindful Parenting and Parental Burnout: The Mediating Role of Mothers' Parenting Stress. *Journal of Family Research*, 19(3), 501-518. URL: <https://doi.org/10.48308/jfr.19.3.501>
- Satoorian, A., Tahmassian, K., & Ahmadi, M. R. (2016). The Role of Parenting Dimensions and Child-Parent Relationship in Children's Internalized and Externalized Behavioral Problems. *Journal of Family Research*, 12(4), 683-705. URL: [https://jfr.sbu.ac.ir/article\\_97463.html](https://jfr.sbu.ac.ir/article_97463.html) [In Persian].
- Sepehrian Azar, F. (2016). Investigate the canonical relationship between dimension of wisdom and identity styles. *The Journal of New Thoughts on Education*. 12(2), 95-114 [In Persian].
- Shariatbagheri, M. M. & Nikpour, F. (2018). The effect of teaching socio-communicative skills on accountability and adaptation with school in students. *Journal of psychological models and methods*, 9(32 ), 203-220. [In Persian].
- Shiralinia, K., Izadi, M., & Aslani, K. (2019). The role of mediators of parenting stress, the quality of the mother-child relationship and mental health of the mother in the relationship between mindful parenting and behavioral problems of children. *Counseling Culture and Psychotherapy*. 10(38), 135-146 [In Persian].
- Shokoohi-Yekta, M., Parand, A., & Dargahi, M. (2016). Family-based preventive interventions: effects on parent-child relationship and parenting styles. *Quarterly Journal of Child Mental Health*. 3(2), 55-63 [In Persian].
- Sood, M., & Chand Singh, D. (2021). Meta-parenting, a new concept In the Indian context. *Int. J. Adv. Res.* 9(1), 581-588.
- Trommsdorff, G., & Kornadt, H. J. (2003). Parent-child relations in. *Handbook of Dynamics in Parent-Child Relations*, 271.
- Wong, W. L. L., & Kam, C. M. (2021). Psychometric properties of The Chinese metaparenting profile questionnaire short-form. *Current Psychology*. 40, 3773-3782.
- Zamanpour, Z., Pakdaman, S., Ghanbari, S., & Nejat, P. (2023). The Moderating Role of Mother's Reflective Functioning in the Relationship Between Child's Temperament and Quality of Mother-Child Relationship. *Journal of Family Research*, 19(3), 519-531. URL: <https://doi.org/10.48308/jfr.19.3.519>.
- ZareMazloom, M., Ardel, M., Asadi, S., & Dehghani, F. (2024). Parents' Wisdom and Adolescents' Cognitive, Social, and Emotional Developmental Qualities. *Journal of Family Issues*, 45(3) 616-646.
- Zubrick, S. R., Smith, G. J., Nicholson, J., Sanson, A., & Jackiewicz, T. A. (2008). Parenting and families in Australia. *Fahesia Social Policy Research Paper*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn>.